

بررسی پدیده قتل‌های خانوادگی و ارائه راهکارهای علمی پیشگیری، کنترل و درمان این پدیده

عبدالمهدی شریف نژاد^۱ دکتر کرم جانی پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۳

چکیده

این مقاله باهدف بررسی پدیده قتل‌های خانوادگی و ارائه راهکارهای علمی جهت پیشگیری، کنترل و درمان این پدیده و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی و تحلیل محتوا به نگارش درآمده است. افزایش قتل‌های خانوادگی در سال‌های اخیر در ایران به میزانی بوده است که می‌توان آن را به‌عنوان یک مسئله یا موضوع اجتماعی جدید بررسی کرد. آنچه افزایش قتل‌های خانوادگی را شگفت‌انگیز می‌سازد ماهیت و کارکرد خانواده و فلسفه وجودی آن است که به نظر می‌رسد با قتل که شدیدترین نوع خشونت و جرم محسوب می‌شود کاملاً در تعارض است. خانواده‌ای که افراد به طور داوطلبانه اقدام به تشکیل آن می‌کنند و در ابتدا نیز در ذهن همه آنها بنای جایگاهی امن برای حفظ اعضای آن و برآوردن نیازهای زیستی آنان است، وقتی به صحنه قتل و خشونت تبدیل می‌شود، ذهن را به این قضاوت می‌کشاند که خانواده جدید در اجرای کارکردهای خود ضعیف شده است. به‌طوری که دیگر قادر نیست نیازهای حیاتی و زیستی اعضای خود را به نحو مطلوب تأمین کند، لذا سرخوردگی و عدم ارضای نیازهای اعضای خانواده منجر به تنش و نهایتاً قتل می‌شود. با توجه به اینکه انتظار می‌رود تا نسل امروزی قادر به تربیت و رشد نسل سالم و کارآمد بعد از خود باشد، اهمیت مقابله با خشونت، قتل‌های خانوادگی و مشکلات مرتبط به آن مورد بررسی و کاوش بیشتر قرار گیرد.

واژگان کلیدی: خشونت، قتل‌های خانوادگی، پیشگیری، کنترل، درمان.

^۱ - کارشناسی ارشد حقوق گرایش جزا و جرم شناسی

^۲ - دکتری حقوق - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد بوشهر (نویسنده مسئول)

مقدمه

خانواده یک گروه خویشاوند است که در اجتماعی کردن فرزندان و برآوردن برخی از نیازهای بنیادی دیگر جامعه، لکت اصلی را به عهده دارد. باآنکه با گسترش شهرنشینی و روند رو به رشد صنعتی شدن در بسیاری از کشورها، ساختار، کارکرد و اقتدار خانواده‌ها دگرگون و تا حدی کمرنگ شده است، ولی هنوز خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی در تنظیم رفتار جنسی و زاد و ولد، رشد و تربیت فرزندان، اجتماعی کردن آنها، تثبیت جایگاه و منزلت اجتماعی، مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالمندان و فراهم آوردن امنیت اقتصادی و روانی اعضای خود نقش بارزی را ایفا می‌کند. در این میان رفتار توأم با خشونت، با ویژگی‌های مختص به خود، می‌تواند بر این نقش صدمه وارد کند و در ساختار روابط میان اعضای خانواده و رسیدن به اهداف فوق گسست ایجاد کند.^۳

قتل در خانواده بلای اجتماعی جدیدی نیست و سابقه‌ای به قدمت تاریخ دارد. اولین اسطوره بشر که مربوط به خلقت انسان است با اولین قتل درون خانوادگی همراه است. هابیل به‌دست برادر خود قابیل به قتل می‌رسد پدیده خشونت خانوادگی و قتل در خانواده نیز در ایران در سال‌های اخیر با سرعت زیادی رو به افزایش است و این زنگ خطری است که بنیادی‌ترین نهاد جامعه که همان خانواده است را با خطر نابودی رو به رو کرده است، همچنین گسترش دامنه بروز خشونت و پرخاشگری در سال‌های اخیر یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی ایران به شمار می‌رود.

خشونت خانوادگی در تمام فرهنگ‌ها، جوامع، نژادها، طبقات، مذاهب و در میان مردان و زنان به مشاهده می‌شود، ولی نوع رفتار خشونت‌آمیز و زمینه بروز این رفتار در جوامع مختلف، متفاوت است. بنا بر آمار جهانی حدود ۹۰ درصد از قربانیان خشونت خانگی زنان و حدود ۱۰ درصد مردان هستند. با مقایسه‌ی گذرا میان جوامع مدرن و جوامع سنتی یا در حال گذار از سنت به مدرنیته، نشان‌دهنده این است که خشونت در میان خانواده‌های جوامع سنتی پررنگ تر بوده و پیش زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی در توجیه رفتار خشونت‌آمیز و گاه پنهان نگه‌داشتن آن نوع برخورد با خشونت و مشکلات مرتبط با آنرا غامض تر ساخته است. علل رفتار خشونت‌آمیز در نوع بشر غالباً موضوع پژوهش علم روانشناسی و

۱- ستوده، هدایت الله، سیفالله بهاری، (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی خانواده، تهران: ندای آریانا، ص ۴

جامعه‌شناسی است. دانشمندان بر این موضوع که خشونت در نوع بشر ذاتی است، اتفاق نظر دارند.^۴ افزایش قتل‌های خانوادگی در سال‌های اخیر به اندازه‌ای بوده است که می‌توان این موضوع را به‌عنوان یک معضل اجتماعی به حساب آورد. آنچه که افزایش قتل‌های خانوادگی را شگفت‌انگیز می‌کند، ماهیت و کارکرد خانواده در جامعه است که به نظر می‌رسد با قتل که شدیدترین نوع خشونت است با ماهیت خانواده در تضاد باشد. خانواده‌ای که افراد در ابتدا، به‌صورت داوطلبانه آن را تشکیل می‌دهند و در ذهن همه آنها خانواده جایی امن برای حفظ اعضاء و برآوردن نیازهای زیستی آنها است، وقتی تبدیل به صحنه قتل و خشونت می‌شود، ذهن را به این سمت می‌کشاند که خانواده جدید، در اجرای کارکردهای خود، دچار ضعف شده است، به‌طوری که دیگر قادر نیست نیازهای زیستی و حیاتی اعضا را به نحو مطلوبی تأمین کند، که این تأمین نشدن نیازهای حیاتی برای اعضای خانواده، منجر به تنش و در نهایت قتل می‌شود. بررسی پدیده خشونت و قتل‌های خانوادگی هر یک در نوع خود علل خاصی را دنبال می‌کنند که در این مقاله به بررسی و نقد آن از منظرهای مختلف می‌پردازیم.^۵

بیان مسئله

زمانی که یکی از اعضای خانواده تلاش کند تا بر عضو یا اعضای دیگر خانواده به شکل جسمی یا روانی تسلط یابد، خشونت شکل می‌گیرد. به‌عبارت‌دیگر، خشونت عبارت است از رساندن صدمه یا آسیب به فرد دیگر به‌صورت عمدی. به‌صورت ساده، خشونت عبارت است از آسیب رساندن عمدی جسمی یا روانی به شخص دیگر. این رفتار تنها محدود میان زوجین نبوده و ممکن است متوجه اعضای دیگر خانواده نیز گردد. خشونت استفاده از زور فیزیکی به‌منظور قرار دادن دیگران در وضعیتی بر خلاف خواستشان، است. به‌طور مثال، گزارش‌ها حاکی از آن است که کودکان در بسیاری از موارد قربانیان مستقیم یا غیرمستقیم خشونت و نتایج آن، طلاق، اختلالات روانی و غیره می‌باشند. در تمامی جهان خشونت به‌عنوان ابزاری برای کنترل استفاده می‌شود، در واقع نوعی تلاش برای سرکوب و متوقف کردن اغتشاشگران در مقابل نگرانی‌های مربوط به اجرای قانون و فرهنگ در یک ناحیه خاص است. کلمه خشونت طیف گسترده‌ای را پوشش می‌دهد. خشونت می‌تواند از درگیری فیزیکی بین دو انسان تا جنگ و نسل‌کشی که کشته شدن میلیون‌ها نفر از نتایج آن است، گسترده شود.^۶

۱- عبدالمهدی، محمد، (۱۳۸۱)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲، ص ۷

۲- قرایی مقدم، امان‌الله، (۱۳۸۰)، قتل‌های ناموسی یا نهوه کردن، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۲، ص ۱۲

۱- حسینی، حسن، (۱۳۸۵)، جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، تهران: سلمان، ص ۶

اصطلاح قتل‌های خانوادگی یک اصطلاح عمومی است که شامل مصادیق متعدد می‌شود. در حالت کلی به قتل‌هایی که در یک خانواده با روابط خویشاوندی سببی و نسبی نزدیک واقع می‌شود به‌نحوی که یکی از اعضا اقدام به کشتن عضو دیگری می‌نماید قتل خانوادگی می‌گویند. غالب‌ترین مصادیق این قتل‌ها، قتل فرزند توسط پدر یا مادر، قتل پدر یا مادر توسط فرزند، قتل زن توسط شوهر و برعکس، قتل برادر و خواهر به‌دست همدیگر است.^۷

اختلافات شدید اخلاقی، ناسازگاری زن و شوهر و پافشاری دو طرف در به کرسی نشاندن عقیده یا رای خود باعث برخوردها و تنش‌هایی می‌گردد که گاهی به قتل منتهی می‌گردد که شایع‌ترین قتل‌ها در ایران به مسائل جنسی و ناموسی مربوط می‌شود. خشونت درون خانوادگی در همه کشورها و در همه گروه‌های اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی و... رخ می‌دهد و علیرغم تغییر و تحولات اجتماعی و اقتصادی در سطح جهان نه تنها پدیده خشونت خانوادگی و قتل‌های خانوادگی کاهش نیافته است، بلکه روزبه‌روز بر دامنه آن افزوده می‌شود.^۸

در چندین سال اخیر روند خشونت خانوادگی و قتل‌های خانوادگی در ایران رو به فزونی بوده است و با توجه به اینکه در جامعه ایران چندان به علل و عوامل ایجاد این پدیده و راه‌های کنترل آن پرداخته نشده، لذا در این تحقیق به بررسی پدیده خشونت و قتل‌های خانوادگی و ارائه راهکارهای علمی در جهت پیشگیری، کنترل و درمان این پدیده‌ها پرداخته می‌شود و جنبه‌های مجهول و مبهم این مقاله به طور دقیق مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد.

اهمیت و ضرورت موضوع

خشونت خانوادگی یا خشونت در حریم خصوصی، پدیده‌ای است که روابط سالم خانوادگی را که برای بقا و تحکیم خانواده لازم و ضروری است، متزلزل ساخته و بعضاً از بین می‌برد. امروزه اشکال و انواع متفاوتی از خشونت خانوادگی وجود دارد که دامنه گسترده آن از نزاع بین والدین، خواهران و برادران آغاز و تا به قتل رسیدن یکی از اعضای خانواده کشیده می‌شود. این اقدام نتیجه افزایش خشم و انباشته شدن طولانی مدت خصومت ناشی از مشاجره یا رفتارهای احساسی و تکانشی یکی از اعضا است. بر طبق آمارهای منتشره زنان بیش از دو برابر مردان شانس آن را دارند که قربانی قتل‌های خانوادگی شوند و این حوادث اغلب در شرایطی رخ می‌دهد که خشونت خانوادگی مستمری میان والدین یا اعضای خانواده

۱- کوثری، مسعود، (۱۳۸۵)، نظریه‌های آنومی اجتماعی، تهران: نشر سلمان، ص ۱۶

۱- محسنی، منوچهر، (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: طهوری، ص ۸

وجود داشته و باعث بروز رفتارهای سوءاستفاده گرایانه علیه زنان، فرزندان یا دیگر اعضای خانواده می‌شود. واقعیت ناخوشایند این است که مسئله خشونت های خانوادگی زنان، کودکان و افراد پیر بیش از آن که بد به نظر می‌رسند نامطلوب و تکان دهنده است.^۹

تربیت نادرست، بی‌اعتمادی در سطح فرد و اجتماع، آسیب های جسمی و روانی، گسست در روابط عادی خانواده و بالاخره گردش خشونت از جمله نتایج رفتار خشونت‌بار هستند. با توجه به اینکه انتظار می‌رود تا نسل امروزی قادر به تربیت و رشد نسل سالم و کارآمد بعد از خود باشد، اهمیت مقابله با خشونت و مشکلات مرتبط به آن به تدریج بارزتر می‌گردد، به همین خاطر با توجه به تأکیدات قرآن، اسلام، بزرگان، جامعه‌شناسان و روانشناسان در این تحقیق محقق قصد دارد به اهمیت و ضرورت مسئله خشونت و قتل‌های خانوادگی و نقش ویرانگر و خانمان‌سوز این نوع مصادیق بر سطح خانواده و جامعه بپردازد و در نهایت با ارائه راهکارهای علمی در جهت پیشگیری، کنترل و درمان این پدیده‌ها کمک فراوانی به کاهش این واقعه خشونت‌بار در جامعه داشته باشد، بنابراین بررسی این موضوع ضرورت خاص پیدا می‌کند.^{۱۰}

سؤال های پژوهش

- ۱- چگونه فشار های وارده بر فرد بر رفتار بزهکارانه او تاثیر می‌گذارد؟
- ۲- ارتباط با همسالان بزهکار در رفتار بزهکارانه و قتل در خانواده چگونه تأثیرگذار است؟
- ۳- چگونه حمایت اجتماعی از فرد باعث کاهش ارتکاب وی به قتل‌های خانوادگی می‌گردد؟

فرضیه‌ها پژوهش

- ۱- فشار های وارده بر فرد در رفتار بزهکارانه او تاثیر دارد.
- ۲- ارتباط با همسالان بزهکار در رفتار بزهکارانه و قتل در خانواده تاثیر دارد.
- ۳- حمایت اجتماعی از فرد باعث کاهش ارتکاب وی به قتل‌های خانوادگی می‌گردد.

نوع روش تحقیق

پایان‌نامه حاضر یک پژوهش نظری است که به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده است. محقق در این پژوهش تلاش نموده که با بررسی داده‌ها و اطلاعات و تجزیه و تحلیل آن‌ها به روابط میان پدیده‌ها و بسترها

۱- دهقان فرد، آزاده، (۱۳۸۵)، خشونت علیه زنان در تهران: مجله پژوهش زنان، دوره چهارم، شماره ۱۰۱، ص ۱۹

۲- معظمی، شهلا، (۱۳۸۶)، همسرکشی، تهران: آگه، ص ۲۵

پی برده و به تدوین گزاره‌ها و قضایای کلی در رابطه با موضوع پژوهش دست یابد. تشریح ارتباط اجزای مربوط به مسئله تحقیق با گزاره‌های کلی به دست آمده نتیجه‌گیری پژوهش را تشکیل می‌دهد.

شیوه گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات این پروژه به صورت مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. در این تحقیق سعی شده که از کلیه منابع کتابخانه‌ای اعم از کتب، مجلات، نشریات و بانک‌های اطلاعاتی اینترنتی استفاده شود.

ابزارهای گردآوری اطلاعات

چون مطالعه و تحقیق با روش مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌شود، ابزارهای گردآوری اطلاعات پژوهش شامل فیش‌برداری و استفاده از بانک‌های اطلاعاتی و شبکه‌های رایانه‌ای (اینترنت) می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

تجزیه و تحلیل در این تحقیق جنبه کیفی داشته و از این رو روش کار به صورت استنباط روابط و تجزیه و تحلیل آن‌ها در جهت کشف گزاره‌های کلی می‌باشد. لذا استنتاجات پژوهش به روش بررسی موردی بسترهای ایجادکننده برخی مفاهیم و ساختارها در گذشته و همچنین تجزیه و تحلیل آثار این مفاهیم و ساختارها در تولید و توسعه مفاهیم و ساختارهای جدید است.

مبانی نظری

مفهوم شناسی قتل‌های خانوادگی

هر فعل که با قصد قبلی موجب کشته شدن دیگری شود یا در صورت فقدان قصد قبلی ارتکاب عملی که نوعاً کشنده هم باشد قتل محسوب می‌شود. بنابراین قتل‌های غیر عمد در این حوزه قرار نگرفته‌اند. این تعریف مطابق قانون مجازات اسلامی است. قتل خانوادگی عبارت است از قتلی که قاتل و مقتول هر دو از یک خانواده و شامل یکی از موارد پدر، مادر، فرزند، زن و شوهر، خواهر، برادر، پدربزرگ و مادربزرگ و نوه است. قتل غیر خانوادگی: شامل قتل‌هایی است که هیچ رابطه خانوادگی درجه اولی بین قاتل و مقتول وجود نداشته باشد. همچنین قتل‌های فامیلی مثل دخترخاله و پسرخاله یا دخترعمو و پسرعمو و کلیه بستگان دیگر جزو قتل‌های غیر خانوادگی قرار گرفته‌اند.^{۱۱}

۲- آقا بیگولی، عباس (۱۳۷۹) بررسی پدیده همسر آزاری در شهر تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۴، ص ۸۰

در قوانین کیفری ایران، قبل و بعد از انقلاب، تعریفی از واژه قتل به میان نیامده و قانون مجازات اسلامی ایران، تعریفی از قتل ارائه نداده است بلکه ماده ۲۰۴ ق.م.ا، قتل را بر سه نوع تقسیم کرده و ماده ۲۰۵ قانون مذکور، مجازات قتل عمدی را بیان نموده است. در ترمینولوژی حقوق، در تعریف قتل آمده است: لطمه به حیات دیگری وارد ساختن، خواه به واسطه ی عمل مادی و فیزیکی باشد، خواه به واسطه ی ترک فعل. که با توجه به مراتب فوق می توان قتل را به سلب حیات از انسان زنده ی دیگری یا ایجاد وضعیتی در شخص که منجر به مرگ مغزی می شود، تعریف نمود. اما از آنجایی که مهم ترین منبع حقوق ایران، قانون است، هیچ یک از تعاریف حقوقی در مقابل ماده ۲۰۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ که موارد قتل عمدی را احصاء نموده است، قابلیت اجرایی ندارد. به موجب این ماده، قتل در موارد زیر قتل عمدی است:

الف) مواردی که قاتل با انجام کاری، قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افراد غیر معین از یک جمع را دارد، خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.

ب) مواردی که قاتل، عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد، هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.

ج) مواردی که قاتل، قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد، نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف، بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.

اما قانون گذار ایران، قتل غیر عمد را تعریف نکرده و با توجه به مواد قانونی، در تعریف آن می توان گفت: هر نوع صدمه ی منتهی به فوت در اثر رانندگی با وسایل نقلیه موتوری که معلول خطای مرتکب آن باشد، قتل غیر عمد نامیده می شود. چه بسا ممکن است قتل غیر عمدی اتفاق بیافتد که در نتیجه ی حوادث رانندگی نباشد که ماده ۶۱۶ ق.م.ا در این خصوص مقرر می دارد: در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد.^{۱۲}

۱- آزاد ارمکی، تقی، مهری، بهار، (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی، تهران، نشر جهاد، ص ۶۷

اصطلاح قتل‌های خانوادگی یک اصطلاح عمومی است که شامل مصادیق متعدد می‌شود. در حال کلی به قتل‌هایی که در یک خانواده با روابط خویشاوندی سببی و نسبی نزدیک واقع می‌شود به‌نحوی که یکی از اعضا اقدام به کشتن عضو دیگری می‌نماید قتل خانوادگی می‌گویند. غالب‌ترین مصادیق این قتل‌ها، قتل فرزند توسط پدر یا مادر، قتل پدر یا مادر توسط فرزند، قتل زن توسط شوهر و برعکس، قتل برادر و خواهر به‌دست همدیگر است. در قتل فرزند توسط پدر عوامل گوناگونی دخالت دارند. شرایط بحرانی روحی و روانی پدر که به خاطر ابتلا به بیماری‌های روانی و یا تحریکات ناشی از توهمات شیطانی که در اثر وقوع اختلال در شخصیت او ایجاد شده و یا فشاری‌های طاقت‌فرسای ناشی از معضلات حاد معیشتی و اقتصادی و ناامیدی از تأمین حداقل ضروریات زندگی او را شرمنده و مأیوس می‌سازند و وی دچار چنان شرایط روحی نامساعدی می‌گردد که با توجیه غیرمنطقی است خلاص فرزندان از آینده شوم، راهی جز قتل آنها را شایسته نمی‌داند و به‌زعم خویش دچار حالت جنون شده و به قتل فرزند دست می‌زند و یا در گاهی موارد دیده‌شده پدر در حالت ارتکاب جرمی دیگر قرار دارد و فرزند وی اتفاق شاهد ماجرا می‌باشد و برای سرپوش گذاشتن بر ارتکاب آن جرم و مخفی گذاشتن آن فرزند خویش را از بین می‌برد و در برخی موارد فرزند مرتکب عملی شده که آبروی خانواده در اجتماع با خطر مواجه می‌شود؛ مثلاً فرزند درگیر مواد مخدر یا مشکلات جنسی و باندهای کثیف تبه‌کاری گردیده و اینجاست که پدر یا مادر فرزند را مایه ننگ خانواده خود دانسته و از بین هزاران راه، راه کشتن فرزند را برمی‌گزینند. قتل عمدی فرزند توسط پدر چه فرزند دختر باشد یا پسر، حسب ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مستوجب دیه مقرر شرعی است و به‌اصطلاح این مورد از موارد سقوط قصاص است و از طرف دیگر چون پدر به‌عنوان مجرم در موضوع مطرح است حسب موازین شرعی با موانع ارث برخورد کرده و این دیه که از پدر اخذ می‌شود به سایر اولیای دم غیر از او پرداخت خواهد شد و چون این عمل پدر نظم عمومی جامعه را بر هم زده و بیم‌تجری او بر دیگر افراد جامعه وجود دارد از جهت جنبه عمومی علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری ۳ تا ۱۰ سال بر اساس ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. البته اعمال این مجازات مانع مجازات تنمیمی مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی (محرومیت از حقوق اجتماعی) نخواهد بود. از نظر صلاحیت رسیدگی نیز حسب قوانین موجود از جمله قانون اصلاح، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های کیفری استان به این پرونده‌ها رسیدگی می‌کند.

قتل فرزند توسط مادر نیز تا حدودی تابع علل فوق می‌باشد ولی بیشتر رهایی فرزندان از شرایط معیشتی نامساعد و عوامل روحی و روانی و اختلافات شدید خانوادگی و اعتیاد در موضوع دخیل هستند، اما در

مقایسه با قتل فرزند توسط پدر این نوع قتل، از آمار پایینی برخوردار است و از نظر قوانین شرعی و موضوعی حاکم بر کشور این قتل در صورت عمدی بودن مستوجب قصاص مادر خواهد شد.^{۱۳}

قتل پدر یا مادر توسط فرزند نیز از قتل‌های مهم مستوجب قصاص برای فرزند می‌باشد؛ عواملی از جمله اختلافات شدید خانوادگی و هواخواهی فرزند از یکی از اولیا (پدر یا مادر) و یا اختلافات مالی شدید بین فرزند با یکی از آنها، یا غوطه‌ور شدن فرزند در گرداب اعتیاد و عدم توانایی در تأمین مخارج اعتیاد و طرد وی از سوی خانواده فرزند را به سمت انتقام یا سرقت از پدر و مادر به تصور اینکه عامل بدبختی وی، آنها می‌باشند، سوق می‌دهد و اقدام به قتل آنها می‌نماید. گاهی ازدواج مجدد پدر و یا در صورت فقدان پدر از سوی مادر یا برقراری روابط نامشروع مادر با دیگر افراد انگیزه قتل آنها را در فرزند تقویت می‌کند. ابتلای پدر یا مادر به بیماری‌های صعب‌العلاج که با ایجاد شرایط سخت برای فرزندان همراه است و هم فرصت و مکان نگهداری آنها و هم هزینه درمان آنها شرایط را غیرقابل تحمل برای فرزند نموده و فرزند گاهی برای رهایی خود از شرایط بد مالی دست به این اقدام زده و یا گاهی برای رهایی پدر و مادرش از آلام و دردهای بیماری به قتل آنها دست می‌زند که به قتل با این انگیزه اتانازی می‌گویند. قتل از روی ترحم در حقوق ایران به رسمیت شناخته نشده است و در زمره قتل‌های مستوجب قصاص است. البته بحث در خصوص اتانازی و قتل از روی ترحم به مطالعه و تحقیق بیشتری نیاز دارد که از حوصله این بحث خارج است.^{۱۴}

قتل زن توسط شوهر یا برعکس آن از قتل‌های خانوادگی با آمار بالا محسوب می‌شود. از نظر عرفی و لغوی نیز به محض طرح قتل خانوادگی، این نوع قتل متبادر به ذهن می‌گردد و در واقع رایج‌ترین نوع قتل خانوادگی است؛ در قتل زن توسط شوهر انگیزه‌ها و عواملی چون فقر و شرایط بد اقتصادی و اختلافات شدید خانوادگی توأم با خشونت و کتک‌کاری و تفاوت‌های بارز فرهنگی و عقیدتی میان زن و شوهر و عدم تقید به اصول و موازین شرعی و عدم رعایت ارزش‌هایی چون حجاب و روابط اجتماعی توأم با امتانت توسط زن و یا روابط نامشروع زن با مرد اجنبی و عدم توجه به تعهدات ناشی از ازدواج و لجبازی طرفین به نحوی که غرور کاذب مانع پذیرش تقاضای قانونی و منطقی طرف مقابل می‌شود و این لجبازی تا جایی پیش می‌رود که به صورت مرموز و ناخودآگاه طرف مقابل را در شرایط تحریک‌آمیز و عصبانیت قرار داده و

۱- آ، ماکارنکو، (۱۳۸۰)، راه زندگی، ترجمه محمد یونیده تهران، نشر نگاه، ص ۷۹

۱- هانا آرنه، (۱۳۵۹) خشونت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، ص ۸۹ و ۹۰

داشتن انتظارات بیش از حد اقتصادی زن با وجود اطلاع از وضعیت درآمدی شوهر که اکثراً به خاطر چشم و هم چشمی های کورکورانه به وجود آمده آستانه تحمل طرفین به خصوص شوهر پایین آمده و بهداشت روانی آنها کاملاً از بین می رود و با کوچک ترین تلنگری حالت تدافعی و خشونت به خود می گیرد و حتی این بی صبری به خارج از منزل و به جامعه هم کشیده می شود و این کاهش آستانه تحمل باعث درگیری های مداوم و در نهایت قتل های آنی و بدون طرح و نقشه قبلی و یا حتی گاهی با نیت قبلی رخ می دهد که نتیجه آن از هم پاشیدگی خانواده و سردرگمی فرزندان در جامعه خواهد بود.^{۱۵}

البته آمارها حکایت از این مسئله دارد که اعتیاد و خیانت زن به شوهر و برقراری روابط نامشروع با فرد غریبه از علل اصلی این نوع قتل ها است. از نظر قوانین موضوعه این نوع قتل در صورت عمدی بودن موجب قصاص است که این قصاص با پرداخت تفاضل دیه از جانب اولیای دم مقتوله به قاتل صورت خواهد گرفت. بر اساس ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی اگر مرد همسر خویش را در فراش با مرد اجنبی ببیند قصاص و دیه از وی ساقط می شود البته این مهدورالدم بودن مقتولان باید به اثبات برسد. گاهی اوقات فرد کشته شده اساساً مهدورالدم نبوده است ولی به تصور و اعتقاد قاتل او مهدورالدم است. اگر قاتل اشتباه در اعتقاد خود را در دادگاه ثابت کند قتل عمدی بر اساس تبصره ۲ ماده ۲۹۵ قانون مجازات اسلامی تبدیل به شبه عمد شده و تنها دیه مقرر شرعی اخذ خواهد شد.^{۱۶}

قتل شوهر توسط زن نیز از قتل های رایج خانوادگی است که اغلب با معاونت یا مشارکت زن و با اجیر شدن فرد یا افراد اجنبی صورت می گیرد این نوع قتل اصولاً ریشه در انحرافات جنسی زن داشته و با تحریک زن به قتل همسر توسط فرد غریبه صورت می گیرد. این نوع قتل ها معمولاً از طریق مسموم کردن یا چاقو زدن صورت می گیرد و زن اکثراً نقش معاونت را عهده دار است و معمولاً زن بعد از دستگیری متوجه منجلاب اطراف خود می شود. این نوع قتل، برای قاتل، مجازات قصاص و برای معاون، ۳ تا ۱۵ سال حبس تعزیری را به همراه دارد. در قتل برادر یا خواهر توسط همدیگر نیز انگیزه هایی چون حسادت و رابطه نامشروع و اختلافات مالی و اعتیاد و اختلافات خانوادگی دیرینه که منجر به حس انتقام جویی در فرد می شود نقش اساسی دارند و این قتل ها تابع مقررات قتل یعنی قصاص هستند.^{۱۷}

۱- اریک فروم، (۱۳۶۰) جامعه سالم، ترجمه اکبر تبریزی، تهران، انتشارات کتابخانه بهجت، ص ۵۸

۲- فروغی، محمد علی (۱۲۴۴) سیر حکمت در اروپا، تهران، انتشارات زوار، تهران، ص ۱۵۷

۳- وثوقی، منصور، (۱۳۷۱)، خشونت در جامعه، تهران، مجله پلیس، شماره ۲، ص ۳۶

عوامل خانوادگی موثر در قتل‌های خانوادگی

خانواده، هسته اولیه رشد فردی

محیط خانواده اولین محیطی است که فرد در آن رشد می‌کند و هنجارها را می‌آموزد. در سنین اولیه زندگی، کودک با این که هنوز راه نمی‌رود و حرف نمی‌زند، باین‌حال حس تقلیدپذیری قوی دارد و حرکات و رفتار اطرافیان در ضمیر او حک شده و شخصیت طفل تکوین می‌یابد. اهمیت زندگی خانوادگی برای کودکان به‌مراتب از افراد بالغ بیشتر است. در محیط خانواده است که پایه رشد و فعالیت‌های آینده کودک گذاشته می‌شود.^{۱۸}

محیط نابسامان خانوادگی

خانواده‌های ستیزه‌گر و متلاشی‌شده یکی از عوامل اصلی گرایش به بزهکاری و قتل‌های خانوادگی محسوب شده است، زیرا اکثر ناراحتی‌های نوجوانان زاییده امرونی و سختگیری‌های والدین، بی‌مهری در کودکی، عدم رفاه و امنیت، عصبانیت والدین، سستی اصول اخلاقی، حمایت زیاد از نوجوانان و آرزوهای جاه‌طلبانه والدین برای نوجوانان است. منازعات خانوادگی اعم از مشاجرات والدین یا مشاجرات بین فرزندان، اعتیاد والدین به مواد مخدر و مشروبات الکلی، ازدواج‌های مکرر، تبعیض بین فرزندان و طلاق همگی از عوامل مهم بزهکاری نوجوانان محسوب می‌شوند. هیچ نوع عاطفه‌ای بر چنین خانواده‌هایی حکم فرما نیست و نوجوان احساس ناامنی می‌کند.^{۱۹}

۳-۲۰-۱-۳- حضور نداشتن یکی از والدین

خمیرمایه مؤلفه‌های اصلی شخصیت متعادل یا متزلزل کودکان در کانون خانواده و در سایه تعامل مطلوب با والدین، به‌ویژه مادر، شکل می‌گیرد. خانواده‌ای که در آن یکی از والدین حضور نداشته باشد، احتمالاً موجب ناراحتی نوجوانان آن خانواده می‌شود. زیرا اگر مادر نباشد، نوجوان از کودکی احساس کمبود کرده و عواطف ناخوشایندی در او ایجاد می‌شود که عامل مهم بزهکاری و قتل‌های خانوادگی بشمار می‌رود. رابطه عمده‌ای بین طول مدت بزهکاری و کفایت نداشتن و یا موفقیت والدین از مراقبت از طفل وجود ندارد، ولی طول مدت اقامت اطفال در خانواده و وجود والدین و زندگی با آنها، در روابط خانوادگی

^{۱۸}- ستوده، هدایت الله، سیف‌اله بهاری، (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی خانواده، تهران: ندای آریانا، ص ۱۶

^{۱۹}- اعزازی، شهلا، (۱۳۸۷)، خشونت خانوادگی زنان کتک خورده، تهران: نشر سالی، ص ۲

و جلوگیری از انحراف آنها کاملاً موثر است. مرگ یا جدایی والدین و یا طلاق و ترک خانواده، در روحیه اطفال و احتمالاً در ارتکاب بزه از ناحیه آنان موثر خواهد بود و باعث عدم انطباق اجتماعی آنان خواهد شد.^{۲۰}

حضور نداشتن و رفتار نامناسب پدر

در برخی خانواده‌ها ممکن است پدر تنها به فکر شغل خود بوده، از انجام وظایفش در منزل شانه خالی کرده و بار سنگین اداره منزل را به دوش مادر بنهند، حال آن که مادر به تنهایی قادر به اداره امور خانوادگی نیست. این قبیل افراد اساساً حساسیتی نسبت به آینده فرزندان خود نشان نمی‌دهند. همچنین ممکن است پدر خانواده دارای ضعف روحی و ناتوانی در اداره امور خانواده باشد، به طوری که در نظر سایر اعضای خانواده به حساب نیاید. برخی تفریحات و اوقات فراغت خود را محدود به روابط با دوستان خود کرده و در برابر همسر و فرزندان خود احساس مسئولیت نمی‌کند. در برخی موارد مشاهده می‌شود که پدران خانواده در اعمال مدیریت خود بر خانواده از خشونت استفاده کرده و اصولاً رفتاری خشن دارند. تمام این‌ها حقوقی است که از یک طرف به طور مستقیم از فرزند خانواده سلب شده و از طرف دیگر عاملی زیربنایی در شروع به اعمال خلاف توسط اوست.^{۲۱}

طلاق

محروم کردن طفل از دیدار پدر و مادر در روحیه او تاثیر سوء می‌گذارد که عکس‌العمل آن بعداً به صورت بد خلقی و یا افسردگی، لجبازی و تمرد از اوامر پدر، مادر و دیگران تجلی خواهد کرد. هنگام طلاق، اغلب پدران و مادران چنان تنفیری از هم دارند که بدون هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای می‌خواهند از هم جدا شوند و در این میان تنها بازمانده اصلی، کودکان معصوم خواهند بود. نوجوانان در مقایسه با کودکان سازش‌پذیری بیشتری نسبت به مسئله طلاق نشان می‌دهند و شاید به این دلیل باشد که در این سن، نوجوانان استقلال بیشتری پیدا کرده و ارتباط نزدیکی با والدین خود ندارند.^{۲۲}

اعتیاد والدین

معمولاً پدران معتاد برای حفظ رابطه خود با همسر و فرزندان، آنها را نیز به مصرف و توزیع مواد مخدر وامی‌دارند. آنها معمولاً به دلیل وابستگی شدید به مواد مخدر در قبال فرزندان خود احساس

^{۲۰} - دهقان فرد، آزاده، (۱۳۸۵)، خشونت علیه زنان در تهران: مجله پژوهش زنان، دوره چهارم، شماره ۲، ص ۹۳

^{۲۱} - معظمی، شهلا، (۱۳۸۶)، همسرکشی، تهران: آگه، ص ۸۵

^{۲۲} - کوثری، مسعود، (۱۳۸۵)، نظریه های آنومی اجتماعی، تهران: نشر سلمان، ص ۱۰

مسئولیت نداشته یا حداکثر در رتبه‌بندی خود مسئولیت پرورش فرزندان را در اولویت بعدی نسبت به مصرف مواد مخدر قرار می‌دهند. زندانی شدن والدین بالأخص مادر به خاطر اعتیاد، علاوه بر این که باعث جدایی طفل از مادر می‌شود، باعث ایجاد عوارض نابهنجاری خواهد شد، مانند شیرخوارانی که ناگزیر در آغوش مادر در محیط جرم‌زای زندان پرورش می‌یابند.^{۳۳}

دوستی و تفاهم بین والدین

از زمانی که نوزاد چشم به جهان می‌گشاید، به محبت و نگهداری نیازمند است. از این رو اگر در مواردی مشکلاتی در روابط پدر و مادر وجود داشته باشد، لازم است این مسایل را نزد فرزندان آشکار نکنند یا حداقل یکی در غیاب دیگری به انتقاد و بدگویی از طرف مقابل نپردازد. در روابط خانواده سعی شود باگذشت و سازش، روابط صمیمانه را روزبه‌روز مستحکم‌تر ساخته و با انتظارات نامعقول و سختگیری، صمیمیت را به سردی و درگیری تبدیل نکنیم، چرا که در این صورت اولین کسی که ضربه خواهد خورد، فرزند معصوم و بی‌گناه است.^{۲۴}

عوامل رفتارشناسی مؤثر در بروز قتل‌های خانوادگی

عوامل زیستی

تأثیر زیست‌شناختی وراثت و انتقال خصوصیات جسمانی، عقلانی و هوش والدین و اجداد انسان از دیرزمان موضوع مطالعه روان‌شناسان و علمای اخلاق بوده است. این موضوع تحت عنوان «وراثت عقلی و اخلاقی» مورد بررسی واقع شده است.^{۲۵}

عوامل درونی

گاروفالو^{۲۶} (۱۹۷۸) از معتقدان تأثیر عوامل روانی در ارتکاب بزه می‌باشد. بررسی و شناخت عوامل روانی جرم مربوط به دانش روان‌شناسی جنایی است. از جمله رسالت‌های این دانش بررسی منش و شخصیت بزه‌کار و ارزیابی گرایش‌های ضداجتماعی و مطالعه روان خودآگاه و ناخودآگاه آنان به‌منظور تعیین مسئولیت اخلاقی و اجتماعی‌شان است. در مطالعه‌ای که جرم‌شناسان دانمارکی انجام دادند به این

^{۳۳} - اعزازی، شهلا (۱۳۸۰) خشونت خانوادگی زنان کتک خورده، تهران، ص ۳۵

^{۲۴} - حسینی، حسن (۱۳۸۵) جامعه‌شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، تهران، نشر سلمان، ص ۹۹

^{۲۵} - محسنی، منوچهر (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی، تهران، نشر طهوری، ص ۵۱

²⁶ - Gariufalo

نتیجه رسیدند که ۷۵ درصد مجرمان ۱۸ تا ۲۵ سال دارای بیماری روانی بودند. آنان همچنین دریافتند که ۷۹ درصد مجرمان به بیماری‌ها و اختلالات روانی از قبیل نوروز، سایکوز و روان‌پریشی مبتلا هستند.

عوامل اجتماعی

برخی از دانشمندان عوامل محیطی و اجتماعی را منشأ پدیده جرم و قتل تلقی می‌کنند. به نظر این دانشمندان، جرم پدیده‌ای نیست که عوامل و شرایط جسمانی و روحانی افراد در آن تأثیر داشته باشد، بلکه عامل جامعه و محیط سبب بروز جنایت می‌گردد. لاکاسانی (۱۸۴۳-۱۹۲۴م) رئیس مکتب محیط اجتماعی، تنها عامل محیطی و فرهنگی را موجب جرم معرفی نموده است. به نظر این دانشمند، همان‌گونه که هر میکرب در شرایط و محیط خاصی اجازه رشد و نمو و تکثیر می‌یابد، پدیده جرم نیز در محیط و فرهنگ مربوط به خود زاییده می‌شود.^{۲۷}

عوامل اجتماعی قتل‌های خانوادگی

نابهنجاری خانوادگی

خانواده از جمله عوامل اساسی شکل‌گیری شخصیت و منش فردی و اجتماعی کودک است. از دیدگاه کودک، والدین مهم‌ترین و ارزنده‌ترین الگوهای جهان هستند. کودک به موازات فراگیری زبان و نمود ارتباط با محیط و اعضای خانواده و جامعه، آداب و رسوم و خلیقات خانواده خود را کسب می‌کند و آنها را جزء شخصیت و منش خود می‌سازد. رفتار خشونت‌آمیز والدین در خانواده با کودک و نیز با همدیگر، این عقیده نادرست را در ذهن کودک بارور می‌سازد که در جامعه هم خشونت و جدال حلال مشکلات است. به نظر جرم‌شناسان، خانواده از جمله محیط‌های اجتناب‌ناپذیر و نخستین کودک است. خانواده‌های بزه‌پرور دارای این ویژگی‌ها می‌باشند:

- ۱- رایج بودن بزهکاری و میگساری.
- ۲- طلاق یا مرگ یکی از والدین (ازهم‌پاشیدگی خانواده).
- ۳- عدم مراقبت کافی از فرزندان به دلیل جهل یا تعمد والدین.
- ۴- نامطلوب بودن فضای خانواده (تبعیض، افراط و تفریط، خشونت).
- ۵- تفاوت و گونه‌گونی زیاد خانواده از نظر نژادی و مذهبی.

^{۲۷}- جابر، امینه، (۱۳۸۱)، فروپاشی خانواده و آسیب‌شناسی آن، خاستگاه‌ها و پیامدها، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، ص ۸۰

محرومیت اقتصادی و فقر

فقر و بیکاری، نداشتن شغل مناسب و کمبودهای فرهنگی در رفتار فرد اثر مهم دارد و نقش عمده در وقوع جرم، قتل‌های خانوادگی، قانون‌شکنی و ناهنجاری‌ها دارد، فقر انسان را به زبونی، تباهی، گناه و جنایت می‌کشاند، ایمان و عاطفه را می‌گیرد و در نتیجه او را با جامعه ناسازگار ساخته و به‌سوی بزه کاری سوق می‌دهد. بنابراین عامل اقتصادی فقر، بیکاری، اشتغال نامناسب و پایین بودن میزان درآمدها، از عمده‌ترین عوامل موثر در گرایش به کج‌روی و بروز قتل‌های خانوادگی می‌تواند باشد. امروزه این نظر در میان جامعه‌شناسان وجود دارد که افزایش آسیب‌های اجتماعی، معلول تحولات عمیق در زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی و مانند آنها است. در مورد رابطه قتل‌های خانوادگی با شرایط اجتماعی، میان جامعه‌شناسان اختلاف نظر وجود دارد. مطالعه اجمالی تاریخ نشان می‌دهد که آدمی در هر شرایط و موقعیتی به‌منظور بقای موجودیت خود، در تلاش برای کسب امکانات مادی بوده است، از این رو، مسئله تأمین معاش در معنای عام کلمه از مهم‌ترین مسائل زندگی محسوب شده است. فقر و محرومیت زاینده روابط ناسالم و نیز غیرعادلانه نظام اقتصادی حاکم بر جامعه است. مطالعه متون اسلامی نشانگر تأکید تأثیر فقر و محرومیت در ناهنجاری‌های روانی و انحرافات و تبه‌کاری‌هاست. حضرت علی (ع) فقر را موت اکبر و دیوار کفر معرفی نموده است. بنابراین، فقر و محرومیت می‌تواند موجب نابسامانی‌ها و افزایش جرائم، بخصوص قتل‌های خانوادگی گردد.^{۲۹}

محیط

محیط مجموعه‌ای از عوامل بیرونی است که انسان را احاطه نموده و بر زندگی انسان تأثیر تربیتی می‌گذارد. محیط هر شخصی عبارت است از مجموع عوامل، اشیا و حوادث و اتفاقاتی که در اطراف واکناف او واقع می‌شود. نظیر: محیط خانوادگی، محیط آموزشی، محیط کار...، از جمله عواملی که فرد را به کج‌روی در مراحل نوجوانی و جوانی تسهیل می‌کند، ذخیره‌سازی تجارب تلخ و ناخوشایند دوران اولین زندگی است. گذر عمر به مثابه جریانی به هم پیوسته، مراحل و مقاطعی دارد که مراحل قبل در شکل‌گیری و

²⁸ - Price, Susanna (2001) Pakistan's rising toll of domestic violence." BBC News August page 24

²⁹ - دورکیم، امیل (۱۳۸۷) خودکشی، ترجمه نادر سالار زاده امیری، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ص ۶۹

جهت‌گیری مراحل متأخر نقش تعیین‌کننده دارد. خانواده به‌عنوان سلول تشکیل‌دهنده پیکره جامعه، نقش اساسی در سلامت جامعه و پیشگیری و درمان انواع انحرافات و کج روی‌ها دارد. خانواده متزلزل و متلاشی به مثابه یک سلول سرطانی است که نقش تولیدی و کنترلی خویش را به خوبی ایفا نمی‌کند و باعث به وجود آمدن غده‌های سرطانی می‌گردد که سرانجام تمام پیکره بدن را آلوده و متلاشی خواهد کرد. خلق و خوی نیک پدر و مادر، رأفت و مهربانی خانوادگی، نبود انحرافات اخلاقی در پدر و مادر، فراهم بودن زمینه تربیت صحیح، نمونه‌ای از فراهم بودن محیط سالم است. بی‌مهری والدین نسبت به فرزند نقش مهمی بر بزهکاری فرزندان خردسال و بزرگسالان دارد. مبتلا بودن پدر و مادر به مسکرات و شراب و انواع مواد مخدر...، چگونگی برقراری ارتباط جنسی بدون رعایت جوانب سوء آن، در تربیت ناسالم افراد نقش مهم دارد.^{۳۰}

تبعیض و نابرابری در اعمال قانون

از نظر جرم‌شناسان یکی دیگر از عوامل اجتماعی قتل‌های خانوادگی، نابرابری در اعمال قانون است. اگر چه قانون اساسی همه افراد را در مقابل قانون متساوی الحقوق معرفی کرده است، اما جامعه در عمل شاهد و ناظر عملیات و جرائم سنگین برخی افراد ذی نفوذ است بدون آنکه مورد تعقیب قرار بگیرند. بعضی از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی با استفاده از موقعیت‌ها و نیرنگ‌ها، بسیاری از منابع را به خود اختصاص داده و مرتکب سوءاستفاده مالی می‌گردند. اینان به نحوی از زیر بار قوانین مالیاتی شانه خالی می‌کنند و مرتکب تقلب در دفاتر مالیاتی می‌شوند. در جرم‌شناسی به این مجرمان «جنایتکاران یقه سفید» می‌گویند.^{۳۱}

تأثیر جنگ در افزایش جرائم

بحران جنگ از جمله عوامل اجتماعی قتل‌های خانوادگی است که جرم‌شناسان و جامعه‌شناسان درباره تأثیر آن متفق القولند و برای توجیه آن دلایلی را ذکر نموده‌اند: وجود موقعیت‌های نامناسب اقتصادی - اجتماعی از قبیل جیره‌بندی مواد غذایی، تثبیت آمرانه قیمت‌ها و بازار سیاه برخی کالاهای ضروری، جرائم

^{۳۰}- کوثری، مسعود، (۱۳۸۵)، نظریه‌های آنومی اجتماعی، تهران: نشر سلمان، ص ۸۸

^{۳۱}- عبدالهی، محمد (۱۳۸۱)، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲، ص ۱۰۹

را افزایش می‌دهند. لطمات و صدمات وارده، مقاومت افراد را در مقابل وسوسه‌های نفسانی کاهش داده، سبب بروز جرم می‌گردد.^{۳۲}

مصادیق مختلف قتل‌های خانوادگی

اصطلاح قتل‌های خانوادگی یک اصطلاح عمومی است که شامل مصادیق متعدد می‌شود. در حال کلی به قتل‌هایی که در یک خانواده با روابط خویشاوندی سببی و نسبی نزدیک واقع می‌شود به‌نحوی که یکی از اعضا اقدام به کشتن عضو دیگری می‌نماید قتل خانوادگی می‌گویند. غالب‌ترین مصادیق این قتل‌ها، قتل فرزند توسط پدر یا مادر، قتل پدر یا مادر توسط فرزند، قتل زن توسط شوهر و برعکس، قتل برادر و خواهر به‌دست همدیگر است. در قتل فرزند توسط پدر عوامل گوناگونی دخالت دارند. شرایط بحرانی روحی و روانی پدر و یا فشاری‌های طاقت‌فرسای ناشی از معضلات حاد معیشتی و اقتصادی و ناامیدی از تأمین حداقل ضروریات زندگی او را شرمنده و مأیوس می‌سازند و وی دچار چنان شرایط روحی نامساعدی می‌گردد که با توجیه غیرمنطقی است خلاص فرزندان از آینده شوم، راهی جز قتل آنها را شایسته نمی‌داند و به زعم خویش دچار حالت جنون شده و به قتل فرزند دست می‌زند و یا در گاهی موارد دیده‌شده پدر در حالت ارتکاب جرمی دیگر قرار دارد و فرزند وی اتفاق شاهد ماجرا می‌باشد و برای سرپوش گذاشتن بر ارتکاب آن جرم و مخفی گذاشتن آن فرزند خویش را از بین می‌برد.^{۳۳}

قتل عمدی فرزند توسط پدر چه فرزند دختر باشد یا پسر، حسب ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مستوجب دیه مقرر شرعی است و به‌اصطلاح این مورد از موارد سقوط قصاص است و از طرف دیگر چون پدر به‌عنوان مجرم در موضوع مطرح است حسب موازین شرعی با موانع ارث برخورد کرده و این دیه که از پدر اخذ می‌شود به سایر اولیای دم غیر از او پرداخت خواهد شد و چون این عمل پدر نظم عمومی جامعه را بر هم زده و بیم تجری او بر دیگر افراد جامعه وجود دارد از جهت جنبه عمومی علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری ۳ تا ۱۰ سال بر اساس ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. البته اعمال این مجازات مانع مجازات تتمیمی مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی (محرومیت از حقوق اجتماعی) نخواهد بود. از نظر صلاحیت رسیدگی نیز حسب قوانین موجود از جمله قانون اصلاح، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب دادگاه‌های کیفری استان به این پرونده‌ها رسیدگی می‌کند.^{۳۴}

^{۳۲}- قرایی مقدم، امان‌الله، (۱۳۷۹) قتل‌های ناموسی یا نهوه کردن، مجله حقوقی و قضایی دادگستری، شماره ۳۲، ص ۶

^{۳۳}- دهقان فرد، آزاده (۱۳۸۵) خشونت علیه زنان در تهران، مجله پژوهش زنان، دوره چهارم، شماره ۱/۸۴ ص ۸۴

^{۳۴}- جاوید، نورمحمد (۱۳۸۷) بررسی پدیده همسرکشی زنان، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره چهارم، شماره ۱۳، ص ۳۰

قتل فرزند توسط مادر نیز تا حدودی تابع علل فوق می‌باشد ولی بیشتر رهایی فرزندان از شرایط معیشتی نامساعد و عوامل روحی و روانی و اختلافات شدید خانوادگی و اعتیاد در موضوع دخیل هستند، اما در مقایسه با قتل فرزند توسط پدر این نوع قتل، از آمار پایینی برخوردار است و از نظر قوانین شرعی و موضوعی حاکم بر کشور این قتل در صورت عمدی بودن مستوجب قصاص مادر خواهد شد .

قتل پدر یا مادر توسط فرزند نیز از قتل‌های مهم مستوجب قصاص برای فرزند می‌باشد؛ عواملی از جمله اختلافات شدید خانوادگی و هواخواهی فرزند از یکی از اولیا (پدر یا مادر) و یا اختلافات مالی شدید بین فرزند با یکی از آنها، یا غوطه‌ور شدن فرزند در گرداب اعتیاد و عدم توانایی در تأمین مخارج اعتیاد و طرد وی از سوی خانواده فرزند را به سمت انتقام یا سرقت از پدر و مادر به تصور اینکه عامل بدبختی وی، آنها می‌باشند، سوق می‌دهد و اقدام به قتل آنها می‌نماید. گاهی برای رهایی پدر و مادرش از آلام و دردهای بیماری به قتل آنها دست می‌زند که به قتل با این انگیزه اتانازی می‌گویند. قتل از روی ترحم در حقوق ایران به رسمیت شناخته نشده است و در زمره قتل‌های مستوجب قصاص است. البته بحث در خصوص اتانازی و قتل از روی ترحم به مطالعه و تحقیق بیشتری نیاز دارد که از حوصله این بحث خارج است.^{۳۵}

قتل زن توسط شوهر یا برعکس آن از قتل‌های خانوادگی با آمار بالا محسوب می‌شود. از نظر عرفی و لغوی نیز به محض طرح قتل خانوادگی، این نوع قتل متبادر به ذهن می‌گردد و در واقع رایج‌ترین نوع قتل خانوادگی است؛ در قتل زن توسط شوهر انگیزه‌ها و عواملی چون فقر و شرایط بد اقتصادی و اختلافات شدید خانوادگی توأم با خشونت و کتک‌کاری و تفاوت‌های بارز فرهنگی و عقیدتی میان زن و شوهر و عدم تقید به اصول و موازین شرعی و عدم رعایت ارزش‌هایی چون حجاب و روابط اجتماعی توأم با متانت توسط زن و یا روابط نامشروع زن با مرد اجنبی و عدم توجه به تعهدات ناشی از ازدواج و لجبازی طرفین به نحوی که غرور کاذب مانع پذیرش تقاضای قانونی و منطقی طرف مقابل می‌شود و این لجبازی تا جایی پیش می‌رود که به صورت مرموز و ناخودآگاه طرف مقابل را در شرایط تحریک‌آمیز و عصبانیت قرار داده و داشتن انتظارات بیش از حد اقتصادی زن با وجود اطلاع از وضعیت درآمدی شوهر که اکثراً به خاطر چشم و هم چشمی‌های کورکورانه به وجود آمده آستانه تحمل طرفین به خصوص شوهر پایین آمده و بهداشت روانی آنها کاملاً از بین می‌رود و با کوچک‌ترین تلنگری حالت تدافعی و خشونت به خود می‌گیرد و حتی

^{۳۵}- آقا بیگولی، عباس (۱۳۷۹) بررسی پدیده همسر آزاری در شهر تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۴، ص ۵۸

این بی‌صبری به خارج از منزل و به جامعه هم کشیده می‌شود و این کاهش آستانه تحمل باعث درگیری های مداوم و در نهایت قتل‌های آنی و بدون طرح و نقشه قبلی و یا حتی گاهی با نیت قبلی رخ می‌دهد که نتیجه آن ازهم‌پاشیدگی خانواده و سردرگمی فرزندان در جامعه خواهد بود.^{۳۶}

البته آمارها حکایت از این مسئله دارد که اعتیاد و خیانت زن به شوهر و برقراری روابط نامشروع با فرد غریبه از علل اصلی این نوع قتل‌ها است. از نظر قوانین موضوعه این نوع قتل در صورت عمدی بودن موجب قصاص است که این قصاص با پرداخت تفاضل دیه از جانب اولیای دم مقتوله به قاتل صورت خواهد گرفت. بر اساس ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی اگر مرد همسر خویش را در فراش با مرد اجنبی ببیند قصاص و دیه از وی ساقط می‌شود البته این مهدورالدم بودن مقتولان باید به اثبات برسد. گاهی اوقات فرد کشته‌شده اساساً مهدورالدم نبوده است ولی به تصور و اعتقاد قاتل او مهدورالدم است.^{۳۷}

افزایش قتل‌های خانوادگی در سال‌های اخیر در ایران به میزانی بوده است که می‌توان آن را به‌عنوان یک مسئله یا موضوع اجتماعی جدید بررسی کرد. آنچه افزایش قتل‌های خانوادگی را شگفت‌انگیز می‌سازد ماهیت و کارکرد خانواده و فلسفه وجودی آن است که به نظر می‌رسد با قتل که شدیدترین نوع خشونت و جرم محسوب می‌شود کاملاً در تعارض است. خانواده‌ای که افراد به طور داوطلبانه اقدام به تشکیل آن می‌کنند و در ابتدا نیز در ذهن همه آنها بنای جایگاهی امن برای حفظ اعضای آن و برآوردن نیازهای زیستی آنان است، وقتی به صحنه قتل و خشونت تبدیل می‌شود، ذهن را به این قضاوت می‌کشاند که خانواده جدید در اجرای کارکردهای خود ضعیف شده است. به طوری که دیگر قادر نیست نیازهای حیاتی و زیستی اعضای خود را به نحو مطلوب تأمین کند. لذا سرخوردگی و عدم ارضای نیازهای اعضای خانواده منجر به تنش و نهایتاً قتل می‌شود. آمار افرادی که جسمشان در خانواده کشته می‌شود موجود است اما متأسفانه آمار مقتولان روحی و روانی خانواده قابل دسترسی نیست و اگر در جایی این آمارها ثبت می‌شد شاید این میزان قتل‌های جسمی در مقایسه با آنها چندان عجیب و زیاد به نظر نمی‌رسید.^{۳۸}

۴-۳- عوامل کاهش دهنده و پیشگیری‌کننده در خشونت و قتل‌های خانوادگی

الف (دین

^{۳۶}- آزاد ارمکی، تقی، مه‌ری، بهار، (۱۳۷۷)، بررسی مسائل اجتماعی، تهران، نشر جهاد، ص ۹۰

^{۳۷}- هانا آرنه، (۱۳۵۹) خشونت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، ص ۱۱۲

^{۳۸}- فروغی، محمد علی (۱۳۴۴) سیر حکمت در اروپا، تهران، انتشارات زوار، تهران، ص ۱۲۹

۱- راهکارهای اعتقادی

مذاهب آسمانی تمام پیامبران خدا بر دو اصل اساسی استوار است که عبارت‌اند از:

۱-۱ ایمان به خدا

مقصود از ایمان به خدا این نیست که فقط به صورت یک نظریه علمی، همانند فلاسفه الهی، جهانی را مخلوق آفریدگار دانا و بااراده بدانیم.

لالاند^{۳۹} می‌گوید: مذهب نظام احساسات و اعتقادات و اعمالی است که هدفشان خداوند است. و همین خداوند است که نیکی جامعه را می‌خواهد و رابطه جامعه با او مذهب را تشکیل می‌دهد. مذهب از طرفی وجود قوای اعلا را که بشر به آنها وابسته است اعلام می‌دارد و از طرف دیگر امکان برقراری رابطه با آنها را ممکن و ضروری می‌شمارد. مؤمن به واسطه ایمانش بینشی نسبت به جهان، فرمانروایان جهان و حقوق جهانیان پیدا می‌کند که برای او در زندگی کارساز و وی را به سوی انسانی کامل سوق می‌دهد این طرز تفکر که بر اساس آگاهی و باور حقیقی است مؤمن را در اجتماع امین می‌کند به طوری که دیگران در پرتو امنیت او زندگی می‌کنند و این نقش مؤثر مثبت مذهب است.^{۴۰}

۲-۱ وضع قوانین استوار و مطمئن

یکی از کارکردهای دین در پیش‌گیری از جرم و بزه، وضع قوانین سازنده و استوار است که از جمله آنها می‌توان به امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد بی‌گمان، اگر دو واجب امر به معروف و نهی از منکر به درستی، صورت می‌گرفت، اکنون از بسیاری از جرم‌ها و بزه‌ها خبری نبود و دامان جامعه از بسیاری از آلودگی‌های برخاسته از تبه‌کارها پاک بود.^{۴۱}

۳-۱ پرورش وجدان یا نفس سرزنش‌گر

یکی از کارکردهای دین برای رویارویی با کج روی و پیش‌گیری از جرم، بیدار نگه‌داشتن و پرورش وجدان یا همان نفس سرزنش‌گر هست که بعضی از دانشمندان اخلاق آن را وجدان اخلاقی یا پلیس

³⁹- Lalvand

^{۴۰}- سلیمی، علی (۱۳۹۱)، بررسی خشونت‌های خانوادگی، مجله پژوهش زنان، دوره دهم، شماره ۱۲ ص ۱۹

^{۴۱}- حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۳۶۵) وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، عبدالرحیم ربانی شیرازی، داراحیاء التراث العربی،

بیروت، ص ۳۹

مخفی نیز می‌نامند. ویژگی این نفس این است که صاحبش را در صورت انجام گناه و جرم، زیر تیغ سرزنش قرار می‌دهد و در نتیجه، سبب پشیمانی او می‌شود و زمینه را برای رها کردن خلاف کاری‌ها آماده می‌سازد.^{۴۲}

۴-۱ باور به روز رستاخیز

دین در دین‌داران این باور را پدید می‌آورد که زندگی انسان منحصر به دنیای کنونی نیست، بلکه سرانجام او به جهانی دیگر به نام رستاخیز و معاد پایان می‌یابد؛ روزی که در آن تنها، مهمان عملکردهای خویش خواهد بود و آنچه را از نیک و بد انجام داده، خواهد دید.

طور پترسون^{۴۳} و دوستانش بر این باورند که: در ادیان، اعتقاد به جاودانگی و کسب آمادگی برای آن مشوق و ممدّ فعل اخلاقی است. سخن گفتن درباره رستاخیز و قیامت، در واقع سخن گفتن درباره قدرت فائق آمدن بر گناه و رهایی انسان از گناه است. به هر حال، دین با تبشیر و انذار و تأکید بر این نکته که انسان پاداش یا کیفر کارهای نیک و بد دنیوی را در روز رستاخیز خواهد دید، انسان را ترغیب می‌کند که مراقب رفتارهای خویش باشد و خود را از لغزش‌ها و جرم‌ها که سبب گرفتاری او در روز رستاخیز خواهد شد، بازدارد.^{۴۴}

۱-۵ ایمان به قیامت

مقصود از ایمان به عالم آخرت در مذاهب خصوصاً اسلام، این نیست که ما فقط به بقای روح بعد از مرگ معتقد باشیم و نظریه فلسفه مادی را که نافی روح مجردند نادرست بدانیم. بلکه مقصود باور داشتن روز قیامت و ایمان به ثواب و عقاب الهی است.^{۴۵}

۲- راهکارهای عبادی

در برابر اصول مذهب، فروعاتی قرار دارند که حکم فریضه بر آنها جاری است این فروعات اگر چه در برابر اصول‌اند اما از اهمیتی بالا برخوردارند به طوری که از ضروریات دین هم شمرده شده‌اند. فرایضی

^{۴۲}- شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۱)، خانواده متعادل (آناتومی خانواده)، تهران، نشر انجمن اولیا و مربیان، ص ۴۱

^{۴۳}- Petron

^{۴۴}- مساواتی، آذر (۱۳۷۴) مجید، آسیب شناسی اجتماعی ایران، نوین، تبریز، ص ۷۳

^{۴۵}- فرجاد، محمدحسین، (۱۳۷۱)، آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات، تهران، نشر بدر، ص ۵۳

چون نماز و روزه و خمس و زکات و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و... و در نگاه گسترده‌تر، سیر و سلوک و تفکر و تعقل و علم‌آموزی و فراخوانی به علوم، فنون و صنایع (دست کم به نحو واجب کفایی) و تشویق روش‌های تجربی، ایجاد فرهنگ کار و تولید و بینش دادن در مورد رابطه مادیت و معنویت، در کنار معرفی جایگاه انسانی و زیور یافتن انسان‌ها به کرامت انسانی و شرافت و عزت و قدرت و مقولاتی از این قبیل، طوری در دین جایگزین و چینش شده‌اند که مؤمن متقی با انجام این دستورات، عنصری از درون پاک و از بیرون مفید و سازنده و مولد برای اجتماع بار خواهد آمد، باور و عمل به این آموزه‌ها نقشی مهم در کاهش جرم و بزهکاری دارد.

بعضاً احکامی هستند که عنوان بهداشت جسم و روح در ماهیت آنها قطعی است مأكولات و مشروبات مضر و بیماری زا از قبیل گوشت خوک و مشروبات الکلی تحریم شده و استفاده از غذاهایی را که به طور موردی برای افراد ضرر دارند هر چند مباح باشند ممنوع هستند و از طرف دیگر به پاک‌ظاهری و نظافت و طهارت نفسانی چون دوری از گناه و توبه از گناهان دستور داده‌اند. مجموعه این احکام و قوانین بدون تردید در کاهش جرم و جنایات مؤثرند.^{۴۶}

ب) پلیس

یکی از کارکردهای اصلی قانون تعدیل خشونت است و بر^{۴۷}، جامعه‌شناس، اظهار داشت که حکومت، خواهی‌نخواهی، مدعی کنترل مطلق بر خشونت در حدود قلمروی ویژه‌ای است. اجرای قانون ابزار اصلی تعدیل خشونت غیرنظامی در جامعه است. دولت‌ها استفاده از خشونت را در دستگاه‌های قضایی با نظارت بر افراد و مسئولان سیاسی، از جمله پلیس و ارتش تعدیل می‌کنند. جوامع مدنی مقداری خشونت را که از طریق نیروی پلیس جهت حفظ وضع موجود و اجرای قانون اعمال می‌شود مشروع می‌دانند. با این وجود آرنست، نظریه‌پرداز سیاسی آلمانی، تاکید کرد که: «خشونت می‌تواند قابل توجیه باشد، اما هرگز مشروع نیست. هر چه هدف در نظر گرفته شده برای آن به آینده^{۴۸} دورتری موکول می‌شود توجیهش منطقی بودن خود را از دست می‌دهد. هیچ کس استفاده از خشونت را جهت دفاع شخصی زیر سؤال نمی‌برد، زیرا نه تنها خطر آشکار است بلکه در زمان حاضر است و هدفی که وسیله را توجیه می‌کند آنی است.^{۴۸}

^{۴۶}- فرهادیان، رضا، (۱۳۸۵)، والدین و مربیان مسؤول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات نشر حوزه علمیه قم، ص ۱۰۰

47- Veber

^{۴۸}- جابر، امینه، (۱۳۸۱)، فروپاشی خانواده و آسیب‌شناسی آن، خاستگاه‌ها و پیامدها، تهران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۴، ص ۹

پلیس به عنوان نهاد واسط امنیت، نمایان‌ترین وظیفه‌اش سازمان‌دهی امور انتظامی جامعه به منظور برقراری نظم و امنیت عمومی برای کاهش خشونت و قتل‌های خانوادگی می‌باشد. بخش عمده‌ای از جلوه و نمود عملکرد پلیس در کلانتری‌ها و پاسگاه‌های انتظامی تبلور می‌یابد و در واقع، کلانتری و پاسگاه، خط مقدم و پیشانی جامعه و اجتماع در کاهش خشونت و قتل‌های خانوادگی می‌باشد. زیرا از یک سو پاسخگویی به بسیاری از نیازمندی‌های پلیسی جامعه در حیطه وظایف و اختیارات آنها می‌باشد و از سوی دیگر وظیفه مهم ضابطین قوه قضاییه عمدتاً از طریق این مراکز صورت می‌پذیرد، همچنین عملی نمودن برنامه تقدم پیشگیری بر برخورد، در این حوزه قابل اجرا است.^{۴۹}

ج) سطح آموزش

یکی از شیوه‌های پیشگیری که از دیرباز بین اندیشمندان مطرح بوده و اکنون نیز طرفدارانی دارد؛ مبتنی بر این نظریه است که افراد، انواع رفتارها را در کنش با دیگران فرامی‌گیرند. این دیدگاه برای رفتار فرد، خواه هنجارمند یا انحرافی، هیچ منشأ ارثی یا ژنتیکی و یا فیزیولوژیکی قائل نمی‌باشد، بلکه بیان می‌دارد که فرد در تعامل با دیگران یک سلسله ارزش‌ها، هنجارها و رفتارها را یاد گرفته و می‌پذیرد. بر اساس این دیدگاه بعضی معتقد بودند اگر در یک جامعه تعلیم و تربیت همگانی شود، در واقع به تدریج راه انجام رفتارهای انحرافی مسدود می‌شود، «ویکتور هوگو» در این زمینه اظهار می‌دارد: «یک مدرسه باز کنید، در یک زندان بسته می‌شود.» نظریه «انتقال فرهنگی» بر یادگیری و آموزش تأکید دارد.

د) مراکز مشاوره

ایجاد چنین مراکزی، باهدف ایجاد رابطه نزدیک، صمیمی و اعتماد آمیز بین پلیس با مردم، شناسایی ریشه‌ها و زمینه‌های رفتاری نابهنجار و بزهکاری‌ها، تلاش در جهت از بین بردن بسترهای بروز معضلات اجتماعی و پیشگیری از آنها، آگاه‌سازی جامعه به منظور افزایش توانایی‌های مقابله‌ای و ایجاد فرهنگ مشاوره در بحران‌های زندگی نقش مثبت دارد. که با راه‌اندازی این دوایر در کلانتری‌ها و مدارس و نهادها و... اقدام دیگری است که باهدف تعمیق نقش حمایتی پلیس در جامعه، کاهش حجم موضوعات مربوط به جرم و اجرایی به مراکز قضایی، ایجاد زمان لازم و مناسب بسیار برای مراکز انتظامی در رسیدگی به امور اساسی و پیشگیری از وقوع جرم در جامعه خواهد بود. در این بخش به مددکاران، افرادی که مورد خاصی

^{۴۹}- قرضایی، یوسف، (۱۳۸۵)، جایگاه زن در جامعه اسلامی، تعدد یا چند همسری، تهران، نشر گفتار، ص ۲۲

دارند ارجاع داده شوند و کمک نموده تا ضمن ارائه خدمات مشاوره‌ای نسبت به رفع مشکل آنان اقدام و در صورت امکان، ما بین طرفین دعوی مصالحه ایجاد نمایند.^{۵۰}

۵) ورزش

فعالیت اجتماعی تربیت‌بدنی و ورزش در توسعه و استحکام کانون خانواده و روابط انسانی، نقش زیربنایی و بنیادی است که در ساختار جامعه و روابط موجود بین اقشار و آحاد اجتماعی اثرات قابل توجهی بر جای می‌گذارد. در جوامعی که نارسائی‌های کمی و کیفی ورزش وجود دارد، عقب‌افتادگی آن جامعه نیز چشمگیر است و از این روست که ورزش امروز در جوامع مرفعی دنیا، علاوه بر اثرات بهداشتی و نقش مهم آن در سلامت یک ملت به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و عامل اقتصادی مورد مطالعه و پژوهش علمی قرار می‌گیرد.^{۵۱}

از آنجاکه پدیده خشونت و قتل‌های خانوادگی یک مشکل اجتماعی است، تربیت‌بدنی نیز یک پدیده اجتماعی است که با سایر پدیده‌ها در رابطه است و با توجه به فواید ارزشمند و اهداف تربیت‌بدنی و ورزش، مشخص می‌شود که تربیت‌بدنی در کاهش خشونت و قتل‌های خانوادگی، اثرات قابل توجهی خواهد داشت. توصیه‌های زیر برای استفاده از برنامه‌های تربیت‌بدنی و ورزش برای کاهش خشونت و قتل‌های خانوادگی ارائه می‌گردد:

۱- توجه بیشتر به موضوع و محتوا و طرز اجرای درس تربیت‌بدنی در مدارس و تأکید بر نقش تربیتی این درس برای دانش‌آموزان.

۲- ایجاد و احداث اماکن ورزشی چندمنظوره در مناطق مختلف کشور، خصوصاً نواحی جرم‌خیز و جذب افراد در سنین مختلف به این اماکن و فضاهای ورزشی.

۳- قرار دادن وسایل و تجهیزات ورزشی به‌صورت رایگان در اختیار عموم مردم در اماکن عمومی و تشویق افراد.

۴- آموزش‌های همگانی و آموزش والدین و آشنا نمودن آنان به نقش تربیت‌بدنی و ورزش در پرورش مطلوب و شایسته فرزندان‌شان.

^{۵۰}- شعاع کاظمی، سامان، (۱۳۸۸) جرم و راه‌های پیشگیری از آن، مجله پلیس، شماره ۴، ص ۱۰۴

^{۵۱}- صادقیان، مصطفی، (۱۳۹۰)، نقش محرم در کاهش بزه کاری، تهران، مجله پلیس، شماره ۱۵، ص ۸۹

۵- انجام اقدامات لازم جهت تفکیک بزهکاران و مجرمین حرفه‌ای و اعتیادی، از سایر بزهکاران و اجرای برنامه‌های حرکتی و ورزشی به صورت جداگانه.

۶- رفع موانع موجود در مسیر ورزش خواهران و توسعه مراکز و فضاهای ورزشی مناسب خواهران.

۷- انجام تحقیقات بیشتر در ارتباط با نقش تربیت‌بدنی و ورزش در کاهش خشونت و قتل‌های خانوادگی در جامعه.^{۵۲}

- نتیجه‌گیری

افزایش قتل‌های خانوادگی، نمادی از افزایش بحران در خانواده‌های ایرانی است. افزایش قتل‌های خانوادگی، در سال‌های اخیر به اندازه‌ای بوده است که می‌توان این موضوع را به‌عنوان یک معضل اجتماعی به حساب آورد. آنچه که افزایش قتل‌های خانوادگی را شگفت‌انگیز می‌کند، ماهیت و کارکرد خانواده در جامعه است که به نظر می‌رسد با قتل که شدیدترین نوع خشونت است با ماهیت خانواده در تضاد باشد. خانواده‌ای که افراد در ابتدا، به صورت داوطلبانه آن را تشکیل می‌دهند و در ذهن همه آنها خانواده جایی امن برای حفظ اعضا و برآوردن نیازهای زیستی آنها است، وقتی تبدیل به صحنه قتل و خشونت می‌شود، ذهن را به این سمت می‌کشاند که خانواده جدید، در اجرای کارکردهای خود، دچار ضعف شده است، به طوری که دیگر قادر نیست نیازهای زیستی و حیاتی اعضا را به نحو مطلوبی تأمین کند. این تأمین نشدن نیازهای حیاتی برای اعضای خانواده، منجر به تنش و در نهایت قتل می‌شود. آمار افرادی که جسمشان در خانواده کشته می‌شود موجود است. اما متأسفانه آمار افرادی را که به لحاظ روحی و روانی در خانواده ذره ذره کشته می‌شوند در دست نداریم. اگر در جایی این تعداد قتل‌ها ثبت می‌شد شاید این تعداد از قتل‌های جسمی در مقابل قتل‌های روحی چندان عجیب به نظر نمی‌رسید.

یکی از مهم‌ترین راه‌های پیشگیری افراد از انحراف، درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده یک جامعه است. به طوری که جامعه‌شناسان معتقدند بین میزان فرهنگ پذیری و کاهش میزان انحراف و جرم در یک جامعه، رابطه مستقیمی وجود دارد و یکی از علل افزایش نرخ انحراف، فرهنگ پذیری ناقص افراد است.

یکی از عواملی که در پیش‌گیری و یا کاهش جرم و کج روی اجتماعی، تأثیر بسزایی دارد، دین داری و ایمان به خداوند است «هنگامی که آدمی دور از چشم‌آشنایان، همسایگان و دیگران است، نه قانون و

^{۵۲}- کاظمی (۱۳۹۰) تاثیر تربیت بر جرم و راه‌های پیشگیری از آن، مجله رشد، شماره ۲۶، ص ۶۰

نه افکار عمومی و نه هیچ چیز اجتماعی دیگر، کارهای وی را کنترل نمی‌کند، بلکه در این حالت، کنترل کار در پرتو ایمان به قدرتی صورت می‌گیرد که در همه مکان‌ها و زمان‌ها شاهد آدمیان است و به رفتار پسندیده و نیک پاداش می‌دهد و بدی و گناه را مجازات می‌کند». از نهادهای اجتماعی مهم، که در بازدارندگی از جرائم نقش مهم و حساسی را بر عهده دارد، نهاد مذهب و دین می‌باشد. آن هنگام که از نقش دین در جلوگیری از جرائم سخن به میان می‌آید، منظور از دین و مذهب همان آموزه‌های دینی و اعتقادی است که به صورت عملی از سوی افراد جامعه التزام فعلی دارد.

در یک جامعه دینی افراد چون اعضای یک خانواده به همدیگر عشق ورزیده و دارای تمایلات لطیف انسانی‌اند. این حس تعلق خاطر به همدیگر و نوع دوستی متقابل، مانع از آن خواهد بود که افراد چشم طمع به اموال یکدیگر داشته و یا مترصد جان و حیثیت همدیگر شوند. و لذا این همبستگی گروهی موجب کاهش نرخ کج‌روی و انحرافات خواهد گردید. نهاد دین با کارکردهای متعددی چون مشارکت در فعالیتهای مذهبی جمعی، تقویت همبستگی، کنترل دقیق رفتار، انسجام عاطفی و اجتماعی، انضباط بخشی، انتقال ارزش‌های دینی به نسل‌های بعدی و... در کنترل رفتارهای ضد ارزشی و ضد اجتماعی عاملی مثبت و اساسی تلقی می‌شود. ناگفته نماند شرط تاثیر گذاری آموزه‌های دینی آن است که فعالیت‌های دینی نه از سر عادت و یا اجبار، بلکه با اعتقاد راسخ و شوق قلبی انجام‌پذیرند و از این روست که باید اذعان داشت صرف اعتقادات دینی در بازدارندگی از جرائم کارساز نبوده بلکه می‌بایست این اعتقادات به صورت التزام فعلی جامه عمل بپوشد. لذا با توجه به نقش سازنده دین در پالایش رفتار و کردار افراد، برخورداری از تربیت صحیح دینی و گسترش آموزه‌های دینی به‌ویژه در سطوح اساسی جامعه چون خانواده و مدارس توصیه می‌گردد تا بتوان به تضمین بهداشت روانی (فردی و اجتماعی) امیدوار بود.

پیشنهاد‌های تحقیق

پیشگیری سطح اول: ایجاد یک محیط سالم

در پیشگیری اولیه به ریشه مسئله و عوامل خطرزای محیطی توجه می‌شود. این نوع پیشگیری سعی بر آن دارد که امکان درگیر شدن با مسئله طوری پیش برود که هرگز محلی برای رشد مسئله وجود نداشته باشد. و استراتژی‌ها طوری انتخاب می‌شوند که بتوانند عوامل مخاطره آمیز را کاهش دهند. برای مثال در جامعه ای که حمل اسلحه آزاد است این آزادی خود یک عامل خطرزا است، بنابراین منع حمل اسلحه یکی

از استراتژی‌ها در آن جامعه خواهد بود. عمده برنامه‌ریزی‌های این مداخلات بر اساس یافته‌هایی است که نشان می‌دهند عوامل خانوادگی مانند: طلاق، مرگ والدین، کثرت اولاد، فقدان حمایت‌های روانی و بی‌توجهی به نیازهای عاطفی فرزندان بی‌انضباطی در خانواده، وجود فرد بزهکار یا ناسازگار اجتماعی، خیانت زن یا شوهر، اختلافات خانوادگی، طرد از خانواده، فقدان زمینه‌های تربیتی مناسب در خانواده، مسکن نامناسب از نظر فضای فیزیکی و فقر در تقویت و یا کنترل بزهکاری نقش دارند. عوامل اجتماعی مانند، بی‌سوادی، رشد بی‌رویه جمعیت، صنعتی شدن، اختلافات طبقاتی، قوانین تحمیلی، بی‌عدالتی اجتماعی، بیکاری، جنگ، محیط اجتماعی نامناسب (زندگی در جوار بزهکاران)، فقدان امکانات تفریحی سالم و قابل‌دسترس همه طبقات جامعه، زاغه‌نشینی، زورمداری سیاسی، در کنترل و رشد بزه موثرند. به همین جهت استراتژی‌های مداخله‌ای خانواده‌گرا و جامعه‌گرا در پیشگیری نوع اول اهمیت پیدا می‌کنند. خلاصه اینکه در سطح اول پیشگیری عمده مسئولیت به عهده خانواده و جامعه است. بسیاری از دیدگاه‌های روان‌شناختی، سن مناسب برای سطح پیشگیری نوع اول را قبل از ۸ سالگی می‌دانند.

پیشگیری سطح دوم: کاهش عوامل خطرزا

در پیشگیری ثانویه هدف کلی دور نگه‌داشتن فرد از فعالیت‌هایی است که خطر بر چسب بزه را در فرد تقویت می‌کند. مثل کنترل خشم و خشونت، کنترل‌های خانواده بر رفتارهای ضد اجتماعی و دوری از دوستان بزهکار پیشگیری نوع دوم نیز مانند پیشگیری نوع اول استراتژی‌های برنامه‌ریزی خود را بر اساس یافته‌های پژوهش‌ها طرح می‌کند و تاکید زیادی بر فرد و یا ارتباطات فرد دارد. به همین جهت استراتژی‌های پیشگیری نوع دوم از طریق یادگیری مهارت‌های زندگی اجتماعی از یک‌طرف و محیط اجتماعی و ارتباطات فردی از طرف دیگر تاکید می‌کند. اهمیت این سطح به‌عنوان سطح پیشگیری کمک به افراد در معرض خطر است.

پیشگیری سطح سوم: کنترل موقعیت خطر

پیشگیری سطح سوم سعی می‌کند موقعیت مسئله را اصلاح و یا در آن مداخله کند و هدف آن پیشگیری از تکرار فعالیت‌هایی است که جرم شناخته می‌شود. برای این نوع پیشگیری لازم است درگیر مسائلی مانند تنبیه، جریمه و باز توانی از طریق نظام حقوقی و قضا شود. و در نهایت باید در جهت یافتن ریشه‌های عدم سازش بین زن و مرد، حداکثر تلاش انجام گیرد و با مشاوره‌های خانوادگی و یا مشاوره‌های روانی، موارد اختلاف را حل و فصل نمود و در صورتی که مشکلات لاینحل به نظر آید و تفاهم زن و مرد در زندگی مشترک به هیچ‌وجه امکان‌پذیر نباشد آن گاه با راه حل‌های دیگر از پیشرفت نابسامانی‌هایی که منجر

- به ناهنجاری های گوناگون می‌گردد جلوگیری نمایند. فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌های گروهی، بالا بردن سطح آگاهی مردم از حقوق جزایی و آشنا کردن آنان از عواقب عملشان می‌تواند راه‌حلی برای جلوگیری از ارتکاب جرم باشد. کنترل بر رسانه‌های اجتماعی تا آنجا که به‌کارگیری خشونت را به حداقل برسانند.
- ۴- برای محو خشونت در همه نهادهای رسمی و غیررسمی تغییر و تحولی بنیادین و مستمر و پایدار صورت گیرد.
- ۵- تبدیل فرهنگ خشونت به مدارای اجتماعی.
- ۶- آگاه‌سازی جامعه از عواقب رفتار خشونت‌آمیز.
- ۷- عاری سازی جامعه از کینه و نفرت و جایگزینی عطف و مهربانی.
- ۸- به پزشکان، پرستاران، نیروی انتظامی و مدیران مدارس اختیار داده شود که در موارد مشاهده کودکان تحت خشونت واقع شده گزارش بدهند و نیروی کافی نیز برای پیگیری وجود داشته باشد.
- ۹- فرهنگ‌سازی از طریق رسانه‌های گروهی، بالا بردن سطح آگاهی مردم از حقوق جزایی و آشنا کردن آنان از عواقب عملشان می‌تواند راه‌حلی برای جلوگیری از ارتکاب جرم باشد.
- ۱۰- کنترل بر رسانه‌های اجتماعی تا آنجا که به‌کارگیری خشونت را به حداقل برسانند.
- ۱۱- برای محو خشونت در همه نهادهای رسمی و غیررسمی تغییر و تحولی بنیادین و مستمر و پایدار صورت گیرد.

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- آ، ماکارنکو، (۱۳۸۰). راه زندگی، ترجمه محمد پونیده تهران: نشر نگاه.
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۰). تربیت کودک، تهران: نشر سالار.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۵). روانشناسی و تربیت کودکان و نوجوانان، تهران، نشر انجمن اولیاء و مربیان.
- بیات، بهرام، (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماعی محور، تهران: نشر تبلیغات.
- تی. بی، باتامور، (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی، ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی کلجاهی، تهران: نشر شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- هانگلکو، رامین، (۱۳۷۸). اندیشه عدم خشونت، ترجمه محمدرضا پارسایار، تهران: نشر ن
- فرهادیان، رضا، (۱۳۸۵). والدین و مربیان مسؤول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات نشر حوزه علمیه قم.
- فرقانی رئیس، شهلا، (۱۳۸۸). شناخت مشکلات رفتاری در کودکان و نوجوانان، تهران: نشر معاونت آموزش و پرورش.
- گاربر، کی، (۱۳۹۰). چگونه با کودک رفتار کنیم، محمد ولی سهامی و همکاران، تهران: نشر مروارید
- کارل، پوپریر (۱۳۸۰). ناکجا آباد و خشونت، رحمان افشاری، تهران: نشر کیان.
- افتخار، سامان، (۱۳۹۰). ویژگی های فردی قربانیان همسرآزاری در مراجعه به مراکز سازمان پزشکی قانونی تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران، دوره پانزدهم، شماره ۱۶ ص ۷۰.
- جعفری، محمد، (۱۳۹۰). کرامت انسان و نقش تربیتی- فرهنگی آن بر پیشگیری از وقوع جرم، تهران: مجله پلیس، شماره ۴، ص ۲۲.
- سلیمی، علی (۱۳۹۱). بررسی خشونت های خانوادگی، مجله پژوهش زنان، دوره دهم، شماره ۱۲ ص ۱۹.
- شعاع کاظمی، سامان، (۱۳۸۸). جرم و راه های پیشگیری از آن، مجله پلیس، شماره ۴، ص ۳۵.

- صادقیان، مصطفی، (۱۳۹۰). نقش محرم در کاهش بزه کاری، تهران، مجله پلیس، شماره ۱۵، ص ۱۲.
 - عزیزی، علیرضا، (۱۳۹۲). نقش تربیت در پیشگیری از ارتکاب جرم، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۱۳، ص ۷۰.
 - طباطبایی، جواد، (۱۳۸۹). در مقاله خود با عنوان بررسی عوامل موثر بر خشونت های خانگی، تهران، مجله پلیس، شماره ۱۳، ص ۷۹.
 - کاظمی (۱۳۹۰). تاثیر تربیت بر جرم و راه های پیشگیری از آن، مجله رشد، شماره ۲۶، ص ۲۸.
 - موحد، جواد (۱۳۹۱). بررسی موارد مختلف قتل های خانوادگی، مجله رشد، شماره ۲۵، ص ۷۰.
 - هاشمی، جمال (۱۳۸۹). قرآن و عوامل رویکرد به خشونت، مجله رشد، شماره ۲۵، ص ۶۳.
- مجله پلیس، شماره ۱۲، ص ۹۰.

- Karl Popper (1993) "Against Television", www.mediamente.rai.it, London .
- Price, Susanna(2001) "Pakistan's rising toll of domestic violence." BBC News August 24.
- Zoepf, Katherine (2006) "U.N. Finds That 25% of Married Syrian Women Have - Been Beaten "New York Times 26 .

The study of violence phenomenon and family murders and offering scientific solutions to the matter of prevention, control and treatment of this phenomenon

Dr. Karam Janipour

Dr. Ali Janipour

Abstract

This thesis aims to investigate phenomena and provide scientific solutions to prevent domestic violence and murder, Control and treatment of this phenomenon ,using library resources and descriptive content analysis have been written. Every man for a better life and achievement of peace requires that the home is the best place .Family members ,brings security and peace and religious particularities and cultural passed to future generations. Violence , actions and behaviors that can be done on hostility and intentional harm to humans and objects ..What a wonderful family murders will increase the nature and function Family and philosophy that seems to be the most severe forms of violence and murder is a crime that is completely at odds.family the voluntary action of its formation ,and the first in the minds of all those Building a safe place to keep members and their biological needs ,when violence becomes a murder scene , head to the judgment in the performance of its functions leads to a new family is poor. So that it is no longer able to effectively meet the critical needs of the life of its members ,so frustrated and unsatisfied needs of family members ,leading to tension and ultimately murder. Given that today's generation is expected to be able to train and develop the next generation of safe and efficient ,the importance of dealing with violence ,murders of family problems Related to investigate and explore further.

keyword :violence ,murder ,family ,prevention ,control ,and treatment.